

# نگاهی کوتاه به تحریفات گمراه کننده نشریه "مجاهد" چرا مجاهد دروغ می نویسد؟

مهدی ابراهیم زاده

بدنیال نتیجه گیری باشد، کفایت می کند.

## یک نمونه دیگر

برای اینکه روشی که مجاهدین در قبال دادگاه برلین در پیش گرفته اند، بهتر روشن شود، به یکی دیگر از اعمال آنها اشاره می کنم. در ماه ژوئن سال گذشته در حالی که اپوزیسیون دموکرات ایران در گریز مبارزه ای حساس برای اثبات نقش جمهوری اسلامی در ترور برلین بود، از سوی اداره جنائی فدرال آلمان و کمیسیون ویژه تحقیق میکونوس، سوالی را در مقابل همه شهود مستقیم و غیر مستقیم ترور فرار دادند. سوال این بود: آیا گرد همایی میکونوس به قصد ملاقات با نجانی، فرستاده رژیم نبوده که در جریان آن نجانی به جای خود گروهی تروریست را به سراغ شرکت کنندگان در جلسه فرستاده است؟ همه شهود یا تحیر و خشم به این سوال غیر منتظره پاسخ منفی دادند. توجیه پلیس آن بود که علت طرح این سوال اظهارات یکی از اعضای یک سازمان اپوزیسیون است.

۶ ماه بعد، در جریان دادگاه، وقتی کاظم موسوی زاده عضو سازمان مجاهدین خلق به عنوان شاهد در دادگاه حضور یافت، معلوم شد چه کسی و از سوی کدام سازمان سیاسی این ادعای ردیلاته را تحویل پلیس داده است: البته نزد پلیس و در مرحله تکمیل پرونده می شود هر ادعای پوچی را طرح نمود، اما در دادگاه باید همه چیز را ثابت کرد. موسوی زاده در مقابل سوالات بی دربی دادگاه در مورد دلایل ادعای خود، ابتدا به نظر "یک میلیون" مجاهد و سپس "ماهیت سازشکارانه" سازمان های شرکت کننده در جلسه اشاره کرد، اما سرانجام مجبور شد اعتراف کند آنچه گفته حدس و گمان و نظر شخصی اش بوده است!

کار که به رسوایی کشید، خود موسوی زاده قربانی مصالح مجاهدین گفتند: موسوی زاده عضو ما

تذکره نشریه "کار" مبتنی بر اینکه چرا مجاهدین در قبال جریان دادگاه برلین سکوت کرده اند، واکنش تند و کینه توزانه ای را از سوی آنها موجب شد و بهانه ای گردید برای ردیف کردن اتهامات تهمت ها و دروغ ها بی که هنوز هم کماکان ادامه دارد. پس از این تذکره بود که مجاهدین به انعکاس گسترده جریان دادگاه پرداختند، اما در این میان دست کم یکی از اهداف اصلی آنها بر "افشاگری علیه مخالفان سیاسی خود یعنی جریان های که در واقع تروریستین مورد حمله رژیم قرار گرفتند، منتمرکز شد. به این منظور مجاهدین به تحریف های بی سابقه ای در گفته های شهود دادگاه دست زدند، که در نوع خود بی سابقه بود. برخی از کسانی که امواج دروغگویی مجاهدین منبوجه آنها شد، به این دروغگویی ها پاسخ داده اند. از جمله در نامه ای که از سوی کمیته ایرانی ضد ترور برلین، که بسیاری از دست اندرکاران آن بعنوان شاهد مستقیم و یا غیر مستقیم در دادگاه حضور یافته اند، به نشریه "مجاهد" ارسال شد، مواردی از ادعاهای کذب مجاهدین خاطر نشان گردید. اما "مجاهد" حتی به قوانین معمول مطبوعاتی هم پای بند نماند و از چاپ این نامه خودداری کرد.

نگارنده این سطور نیز از امواج دروغگویی های "مجاهد" بی نصیب نمانده است. در "مجاهد" ۳۲۷ ز قول یکی از شهود نوشته اند: "این فرد رهبری، در تصمیم جمعی در یک ماهیم بناهنگی تصویب کرده بود که بهتر است تماس ها (منظور تماسها با عوامل جمهوری اسلامی) ادامه باید". دروغ محض است. نه چنین جلسه ای در هیچ هایمی تشکیل شده است، نه نگارنده اساساً چنین نظری دارد، نه این مسئله از طرف کسی در دادگاه طرح شده و نه هیچ روزنامه ایرانی و آلمانی چنین نوشته است. "مجاهد" این حکایت را در شماره ۳۲۰ نیز تکرار کرده و به نقل از من نوشته: "اوم که حضور رهبری فعلی اکثریت است. خود در دادگاه اعتراف می کند که از این نجاس ها اطلاع داشته و آن را تصویب کرده است!" که تذکره دروغ فیل است و تأییدی بر ضرب المثل "دروغ گروکم حافظه است" چرا که "مجاهد" حداقل فراموش کرده در شماره ۳۲۶ خود در چاپ اظهارات من در دادگاه این دروغ را قبلاً به چاپ برساند تا مآخذ استناد بعدی اش شود! (مقاله نویس "مجاهد" حداقل تعهدش می بایست وفاداری به نوشته های خودشان باشد) آنچه باید تکذیب شود در نامه "کمیته ضد ترور برلین و نوشته های دیگر تکذیب شده و برای کسی که

نیست و هر چه گفته نظر خودش بوده است. "مجاهد" در موردی نوشت: "افتخار آشنایی با کاظم موسوی را ندارد و از وابستگی سازمانی اش (به مجاهدین) بی اطلاع است و محتویات پرونده تشکیل شده نزد پلیس بی خیر است و این سرنوشت کسی است که تا پیش از رسوایی اش در دادگاه عضو "سازمان" بر افتخار... بود.

## چرا مجاهد دروغ می نویسد؟

دروغ و جعل و این قبیل کارهای ناشایست زمانی به میان می آید که نیازی در کار باشد. نیازی که نتوان آن را به طریق عادی برطرف کرد و به عبارت دیگر، نیازها اگر بطریق عادی برطرف نشوند، به کمک دروغ و جعل بر طرف خواهند شد. نیاز "مجاهد" چیست؟ آنگونه که مقاله نویس "مجاهد" به یکی از شهود دادگاه گفته است: مسئله ما شهود نیستند، طرف ما گروه ها هستند. مجاهدین چه مسئله ای با "گروه ها" دارند که آنها را نیازمند دروغ و جعل می کند؟

مجاهد اساساً نمی تواند بپذیرد که نیرویی یا استبداد مذهبی موجود مبارزه کند، با نظام سلطنتی هم مخالف باشد و عضو "شورای ملی مقاومت" مجاهدین هم نباشد. از نظر مجاهدین مجموعه نیروهای اپوزیسیون غیر مجاهد به درجات گوناگون خائن و سازشکار و وابسته هستند. "مجاهد" تاب تحمل دگراندیش را ندارد و نمی تواند بپذیرد که نیروی دیگری با زبان و سلوک و فکر دیگری سوای زبان و سلوک و فکر مجاهد وجود داشته باشد. مجاهدین فقط با این روش ها است که می توانند خود را سزپانگه دارند و سیاست بشدت انحصار طلبانه خود را توجیه کنند. به همین دلیل است که مجاهدین از هر گفتگوی سالم و از هر انتقاد سازنده بشدت می هراسند و از آن میگذرند و حاضر نیستند جز دشمنی و فحاشی هیچ رابطه ای با غیر خودی ها برقرار کنند. آنها مایل نیستند هیچ گروه و حزب و سازمان دیگری در مقابل استبداد

موجود حضور داشته باشد و مانع فعالیت انحصار طلبانه آنها که همه ایران را فقط برای خودشان می خواهند، بشود. از نظر آنها گروه و سازمان دیگری که در مبارزه با استبداد اقد علم کند، باید با همه نیرو بر ریشه اش تیشه زده شود تا مزاحم شعار "ایران بر جوی" نشود.

آیا هیچ توجیه کرده ای که مجاهدین اصلاً حاضر نیستند پیرامون موضوعات اساسی و بنیادی وارد هیچ گفتگویی با هیچ کسی شوند؟ هیچگاه دیده و شنیده نشده و دیدگاهها، آزادی، دموکراسی، اشکال مبارزه، آلتزنا نبود موکراتیک، جبهه، وحدت ملی، منافع ملی، مسئله ملی و موضوعات نظری با سازمان های سیاسی حتی با فرهنگ و منش خود وارد بحث و گفتگو شوند. چنین چیزی تا به حال دیده و شنیده نشده. به این دلیل ساده که مجاهدین در این موضوعات سخنی برای گفتن ندارند. وارد شدن در چنین گفتگوها بی ازسوی آنها، به راحتی اثبات میکند که سیاست های آنها پیرامون مسائل مهم و واقعی ایران تا چه حد از مصالح ملی و منافع مردم به دور است و به همین دلیل است که مجاهدین همواره دعوت های مکرر از سوی دیگر نیروها جهت گفتگو پیرامون مسائل واقعی و سرنوشت ساز را بی پاسخ گذاشته اند یا با فحاشی پاسخ داده اند.

مجاهدین تنها در فضای تخاصم، دشمنی و مسموم می توانند نفس بکشند و بزرگترین موفقیت شان هم در این است که این فضا را بر کل مناسبات میان نیروهای سیاسی حاکم کنند، تا بتوانند خود را در میان انبوه پرستش هایی که حتی در میان هواداران شان نسبت به عملکرد آنها پدید می آید، محق جلوه دهند. تمام تلاشی که مجاهدین به خرج می دهند تا همه نیروهای سیاسی را جریان های نشان دهند که سرنخشان به رژیم جمهوری اسلامی بند است و عملکرد آنها در مورد دادگاه برلین نیز تنها یک نمونه از آن است. فقط برای این است که به نیروهای خود نشان دهند، این جریانها لا ین بحث های جدی نیستند. اما مجاهدین نباید موفق شوند که این فرهنگ و فضای مسموم را بر دیگران تحمیل کنند. اپوزیسیون دموکرات ایران باید بطور بیگانه و مسئولانه تلاش کند مجاهدین را به گفتگوهای جدی پیرامون مسائل واقعی کشور مجبور سازد تا چهره آنها همانگونه که هست مورد قضاوت دقیق تری قرار گیرد. اینجا جو خوشونت، توسل روزمره به ترور سیاسی و سایر اقدامات مجاهدین نباید مانع فراموشی این وظیفه گردد.